

فرهاد نظری، سیاوش درودیان منزل ینگ‌امام، تلفیق باغ و کاروان‌سرا

در راه کرج- قزوین کاروان‌سرای متروکی هست به نام ینگ‌امام. بنا بر منابع تاریخی، این بنا از کاروان‌سراهای دوره صفویه است که در دوره قاجاریه در آن تغییراتی دادند و آن را به ترکیبی بدیع از مهمانخانه و باغ بدل کردند. لذا بنای قاجاری ینگ‌امام هم ترکیبی است از باغ و کاروان‌سرا و هم از نخستین مهمانخانه‌های ایران به سبکی متأثر از مهمانخانه‌های فرنگ. در این مقاله، سیر تحول این بنا را بررسی می‌کنیم.

۱. ینگ‌امام

۱-۱. موقعیت

روستای ینگ‌امام،^۱ از توابع شهرستان ساوجبلاغ،^۲ در فاصله سه کیلومتری شرق هشتگرد و در کنار جاده قدیم کرج- قزوین قرار دارد. ینگ‌امام سابقاً روستایی کوچک بوده و احتمالاً به دنبال توجه مردم به مزار امامزادگانی به نام هادی و علی نقی (ع) شکل گرفته است. آثار تاریخی این روستا اکنون یک تپه تاریخی، کاروان‌سرا، امامزاده و بخشی از حصار کهنه است که روزی قریه را محصور می‌کرده است.^۳ دسترس به این روستا از دو طریق ممکن است:

۱. از طریق جاده کرج- قزوین، که اکنون از جنوب کاروان‌سرا و تپه باستانی می‌گذرد.

۲. از راهی که از زیرگذر آزادراه کرج- قزوین (پیش از رسیدن به شهر جدید هشتگرد) آغاز و وارد بخش ینگ‌امام می‌شود و سپس به کاروان‌سرا و مجموعه تاریخی می‌رسد.

۱-۲. وجه تسمیه

نام این روستا را به دو شکل «ینگ‌امام» و «ینگه‌امام» ضبط کرده‌اند؛ اما در بیشتر موارد، آن را به صورت «ینگ‌امام»، بدون ذکر وجه تسمیه، آورده‌اند. تنها منابعی که در آنها توضیحی قانع‌کننده درباره وجه تسمیه ینگ‌امام آمده خاطرات حاج سیاح و میرزا حسین فراهانی است؛ هرچند که میرزا حسین فراهانی آن را ینگه‌امام و حاج سیاح ینگ‌امام نوشته است:

ینگ‌امام گویند؛ برای اینکه در این نزدیکیها یک نفر مدعی شده که در خواب دیده در آنجا امامزاده‌ای

کاروان‌سرای چهارایوانی ینگ‌امام بنا می‌شود به شاه عباس صفوی که در میانه راه تهران- قزوین در جوار تپه‌ای تاریخی و مزار دو امامزاده بنا شده است. این کاروان‌سرا سه دوره رونق داشته است: دوره اول، زمان احداث آن در عهد صفویان؛ دوره دوم، قبل از حکومت محمدشاه قاجار؛ دوره سوم، مقارن با نخستین سفر ناصرالدین‌شاه قاجار به فرنگ. زمان دقیق حیات کاروان‌سرا در دوره دوم رونق آن بر ما روشن نیست؛ اما به احتمال، هم‌زمان با دوره حکومت فتح‌علی‌شاه و محمدشاه بوده است.

این بنا در دوره نخست کاروان‌سرای چهارایوانی بود؛ در دوره دوم، بالاخانه‌ای بر فراز ایوان جنوبی آن ساختند و ورودی بنا را از ضلع شرقی به ضلع جنوبی منتقل کردند. در دوره سوم، هم‌زمان با احداث راه راه‌رو تهران- قزوین در سال ۱۲۹۶ق، این کاروان‌سرا را طبق الگوی مهمانخانه‌های فرنگی تعمیر و تجهیز کردند و باغی به آن افزودند و از آن پس آن را «مهمانخانه» نامیدند.

کاروان‌سرا یا مهمانخانه ینگ‌امام از منزل‌های معتبر راه به شمار می‌آمد و بسیاری از رجال و سیاحان، حتی محمدشاه و مظفرالدین‌شاه قاجار، بدان جا رفته‌اند. این مهمانخانه بعد از سفر نخستین مظفرالدین‌شاه به فرنگ دچار حریق شد و بعد از آن متروک ماند.

مدفون است. پس گنبد و دستگاهی ساخته‌اند؛ دورش آبادی شده (ینگگی به ترکی یعنی تازه).^۴

ارنست اورسلو (اورسل)،^(۱) سیاح بلژیکی که در سال ۱۳۰۰ق/ ۱۸۸۲م از قزوین به تهران آمد، می‌نویسد:

امام‌زاده، که نام خود را به دهکده نزدیک نیز داده است، در سمت راست جاده، کمی دورتر از چاپارخانه، واقع بود.^۵

میرزا حسین فراهانی هم می‌نویسد:

قریب به این مهمانخانه، بقعه‌ای است که از قدیم گنبدی ساخته بودند و گویند دو نفر از اولاد حضرت موسی بن جعفر در اینجا مدفون‌اند؛ و در آن زمان که این امام‌زاده‌ها در اینجا ظاهر شدند، چون تازگی داشتند، ینگه‌امام گفتند و این مکان به همین اسم موسوم گشت.^۶

در نوشته فراهانی، ینگه صورتی از ینگگی و به معنی تازه و نو است؛ و اطلاق ینگگی به شکل ینگه شاید بر اثر کثرت استعمال و بی‌توجه به معنی اصلی آن (ینگه به معنی همراه) باشد.

۱-۳. کاروان‌سرای ینگگی امام

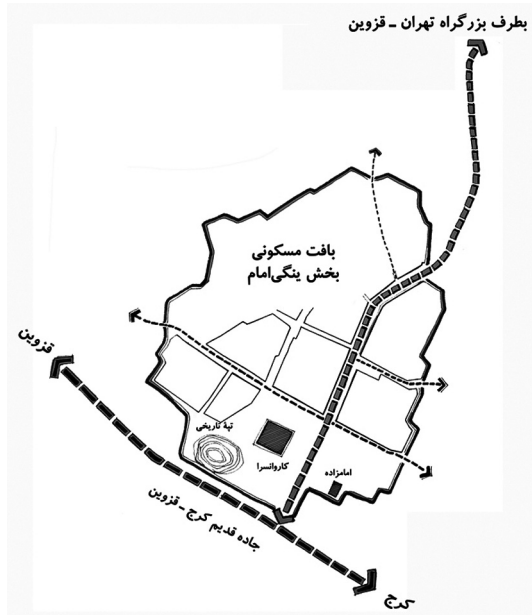
کاروان‌سرای ینگگی امام از منزلهای معتبر راه تهران-قزوین است؛ در زمان صفویان ساخته و در دوره قاجار تعمیر و تجهیز شده است. این کاروان‌سرا در طول جغرافیایی ۵۰/۴۵ درجه و عرض جغرافیایی ۳۵/۵۴ درجه، در فاصله پانزده کیلومتری کمال شهر (غربی‌ترین نقطه کرج) و ۳/۵ کیلومتری هشتگرد قرار دارد.

کاروان‌سرای ینگگی امام به شیوه رایج کاروان‌سراهای صفوی و با طرح چهارایوانی برپا شده و مساحت آن بالغ بر ۴۷۰۰ متر مربع و مساحت صحن مرکزی آن حدوداً ۳۸۷ متر مربع است. اضلاع شمالی و جنوبی صحن ۳۷/۵ متر و اضلاع شرقی و غربی آن ۳۷ متر است.

بنا آجری است و اجزایی چون ورودی، صحن، ایوان، حجره، اصطبل (شترخانه) و جز آن دارد. ورودی فعلی همان ورودی زمان صفویه است که در زمان قاجار مسدود شده بود. در پیرامون صحن، حجره‌های متعدد و در میانه هر ضلع ایوانی قرار دارد. در پس ردیف حجرات،



۱- میرزا حسین فراهانی، تهران، دوره قاجار



- ت ۱. (پایین) موقعیت کاروان‌سرای ینگگی امام، مأخذ: نظری، «بررسی جایگاه فرهنگی کاروان‌سرا»، ص ۱۳۵
- ت ۲. (بالا) «دورنگای جوینکاری قریه ینگگی امام و سردر قلعه واقع در آن محل است». (این عکس را احتمالاً از روی بام امام‌زاده برداشته‌اند). مأخذ: آلبوم‌خانه کاخ گلستان

(1) Ernest Orsello

دالانهای برای جای دادن چهارپایان و اقامت مهتران و مانند آنان منظور شده است. محل تقاطع دالانها در چهار کنج بنا فضایی است با سقف گنبدی که به گوشه‌های حیاط مربوط می‌شود. کنجهای صحن - مدخل شترخانه - پخ‌خوردگی نیم‌قائمه دارد؛ یعنی صحن به شکل کشکولی نزدیک به هشت‌ونیم‌هشت است.

در مرکز صحن، حوضی مربع‌شکل و پاشویه‌دار به ضلع ۹/۷ متر قرار دارد و مجرای آبی که از بیرون کاروان‌سرا می‌آید و از گنبدخانه شمال شرقی می‌گذرد، به این حوض می‌رسد.

کاروان سرای ینگى امام در تاريخ ۱۳۷۷/۹/۱۷ به شماره ۲۱۷۵ در فهرست آثار ملي به ثبت رسیده است.

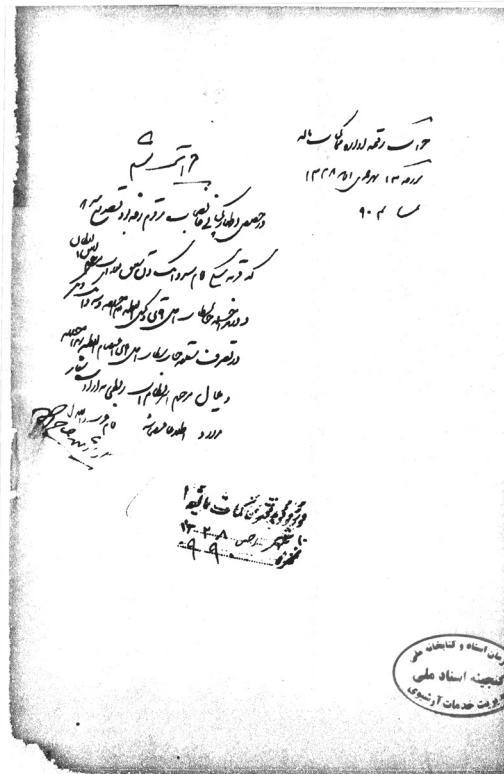
۴-۱. مالکیت

این بنا اکنون در اختیار سازمان میراث فرهنگی است؛ اما درباره مالکیت آن در گذشته، آنچه می دانیم محدود به خاطرات میرزا حسین خان دیوان بیگی است. او در اشاره‌ای گذرا، ینگى امام را ملک صدر اعظم علی اصغر خان امین السلطان دانسته است:

در روز ۱۴ ذی‌قعدة [۱۳۱۳ق]، به امر صدر اعظم رفتیم به قریه ینگى امام، ملک صدر اعظم، تا جمعه ۲۳ [ذی‌قعدة] در آنجا برای تشریفات ورود سلطنت جدید ماندیم.^۸

از این نوشته برمی آید که ینگى امام جزو املاک علی اصغر خان امین السلطان اتابک بوده؛ ولی مشخص نمی شود که ملک موروثی او بوده و آن را از پدرش آقا ابراهیم امین السلطان به ارث برده، یا آن را بعدها تصرف کرده است.^۹

در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران چندین سند از دعاوی گوناگون هست که تا حدودی به روشن شدن قضیه کمک می کند. در یکی از آنها، مورخ ۱۳۲۸ش، سه دانگ ملک متعلق به امین السلطان و سه دانگ دیگر در تصرف اعتصام السلطنه و عیال امیر نظام یاد شده است. در سندی از وزارت مالیه به تاریخ ۱۲۹۹ش، آمده که ینگى امام به موجب فرمان سنه ۱۲۹۷ق به ملکیت مرحومین امین الملک و امین السلطان در آمده است. با توجه به اینکه این فرمان مورخ ۱۲۹۷ق است و در این زمان لقب امین الملک به میرزا علی خان (امین الدوله بعدی، صدر اعظم) و لقب امین السلطان به حاج ابراهیم (پدر اتابک) تعلق داشته است، موضوع تا حدودی روشن می شود. در سندی دیگر آمده که ینگى امام ملک امین الدوله و امین السلطان بوده و در دوره هرج و مرج و ضعف دستگاه دیوانی، کسانی نظیر حاج علی آقا، که در اسناد از او نام برده‌اند، با حمایت سفارت روس آنجا را تصاحب کرده‌اند. در همین سند آمده است زمانی که ناصرالدین شاه به سفر اول فرنگ می رفت، اهالی به استقبالش آمدند و از ناامنی و اشرار به او شکایت بردند و او به تعمیر کاروان سرا دستور داد. به علاوه، باغ مهمانخانه نیز (به نام باغ مهمانخانه امین آباد) در همین دوره ساخته شد. اما بعداً



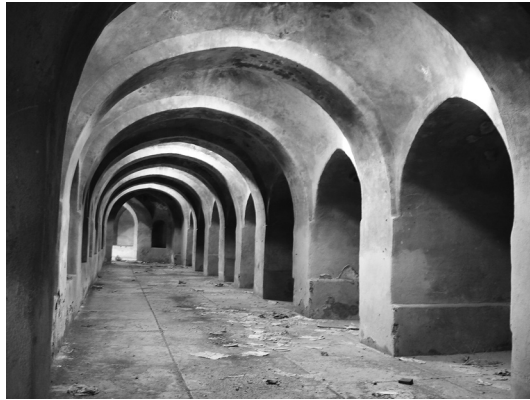
ت ۳. (بالا) نمای عمومی صحن کاروان سرا و تپه تاریخی مجاور

ت ۴. (پایین) سند مربوط به سال ۱۳۲۸ش. مأخذ: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

۲۴ حجرة کاروان سرا دور تا دور حیاط واقع شده و جلوه‌ریک ایوانچه‌ای با طاق آهنگ قرار دارد. کاروان سرا سابقاً چهار ایوان مشابه، در میانه اضلاع حیاط، داشته است؛ اما امروزه از آنها سه ایوان مانده که بر اثر تصرف، دیگر یکسان نیستند. ایوان جنوبی در خلال تغییرات عهد قاجاریه از بین رفته است.^۷



ت ۵. (بالا) نمای ضلع شرقی کاروان سرا. در حاشیه عکس، این عبارات نوشته شده است: «عکس کاروان سراي قدیم شاه عباسی است واقع در قریه ینگه امام، که اکنون بجهت راه شویسته ظرم طاس از دارالخلافه به قزوین و گیلان، عمارت عالی درین کاروان سرا ساخته اند». تاریخ تهیه این عکس بعد از ۱۲۹۶ق است. مأخذ: آلبوم خانه کاخ گلستان



ت ۶. (پایین) اصطبل (شترخان) شمالی کاروان سرا. در دوره دوم رونق، تویزه های سقف اصطبل را با قوس نیم دایره اجرا کرده اند.

میرزا حسین فراهانی می گوید: «ینگه امام کاروان سرایی بود از بناهای سلاطین صفویه».^{۱۲} گرترو د بل هم بنای کاروان سرا را به زمان شاه عباس مربوط ساخته است:

این چاپارخانه ای معمولی نبود؛ ساختمان چهارضلعی مجلی بود که شخص نیکوکاری در زمان سلطنت شاه عباس ساخته بود و مقبره مجاور آن متعلق به امامزاده ای از اعیان پیامبر بود.^{۱۳}

در روزنامه خاطرات عین السلطنه، در دوره نیابت سلطنت عضدالملک قاجار (۱۳۲۷ق)، نیز به زمان احداث بنا اشاره شده است:

در ینگه امام برای تحصیل مشروبی پیاده شدیم. من و ملک آرا داخل کاروان سراي قدیم شاه عباسی، که حالا مهمانخانه شده و از سالهای قبل هم به مراتب مخروبه تر و کثیف تر [شده، رفتیم]. مدیر را صدا زده ما را به کاو [زیرزمین] دلالت کرد.^{۱۴}

میرزا حسین خان دیوان بیگی می نویسد: رفتیم به قریه ینگه امام، ملک صدر اعظم [(امین السلطان)]. تا جمعه ۲۳ [ذیقعدة ۱۳۱۳ق] در آنجا برای تشریفات ورود سلطنت جدید ماندیم. مظفرالدین شاه در این

ینگه امام به دست امین السلطان افتاد و او تصدی آنجا را به دیگران واگذار کرد. باز در این سند آمده است که در سال ۱۲۶۸ق کتابچه ای تهیه شده که در آن ینگه امام خالصه دولتی قلمداد شده است. در این سند، حدود ینگه امام نیز مشخص شده است. در این سند آمده که امین الدوله نصف ینگه امام را به امین السلطان فروخته است. این سند به امضای پیشکار کل مالیه ایالتی به سال ۱۲۹۹ش است.

در سندی دیگر نیز نام حاج علی آقا تاجر باشی روس و محمدرحیم خان امیرتومان به عنوان مالکان روستا آمده و قید شده است که از ایشان خواسته اند سندی دال بر مالکیت خود ارائه کنند. در همین سند، از سندی دیگر نام برده اند که فرمان واگذاری ملک به امین الملک و حاج ابراهیم امین السلطان بوده است. این تنها سندی است که در آن نامی از حاج ابراهیم امین السلطان برده اند و هیچ توضیحی درباره امین الملک نیاورده اند. شاید منظور همان فرمان در سند قبلی باشد. به علاوه، در آن توضیح داده اند که غلام علی خان مهندس حدود آنجا را مشخص کرده؛ و به توقیف محصول هم اشاره کرده اند. شاید با توجه به این متون بتوان گفت که در سال ۱۲۶۸ق و قبل از آن، ینگه امام جزو املاک خالصه بوده است؛ اما در تاریخی که چندان بر ما روشن نیست، ینگه امام را به میرزا علی خان امین الدوله امین الملک^{۱۵} (صدر اعظم بعدی) واگذار کرده اند و او چندی بعد قسمتی، یا شاید کل آن، را به حاج ابراهیم امین السلطان (پدر علی اصغر خان اتابک) فروخته است.

۲. سیر تحول تاریخی کاروان سرا

۱-۲. کاروان سراي چهارایوانی صفوی

بر مبنای بیشتر آراء و اخبار، کاروان سراي ینگه امام از بناهای دوره شاه عباس صفوی است. منابع ما برای تعیین تاریخ ساخت این کاروان سرا شامل گزارشها و سفرنامه های دوره قاجاریه و چند قطعه عکس مربوط به همان دوره است که از کاروان سرا و ملحقات آن برداشته شده و در حاشیه آنها اشاراتی دال بر صفوی بودن آن آمده است.^{۱۱} گزارشهای تاریخی درباره کاروان سراي ینگه امام بیشتر شامل سفرنامه های ایرانی و فرنگی است که در زمان قاجاریه تحریر شده است و در آنها یا مستقیماً از زمان ساخت کاروان سرا سخن گفته اند، یا در تعریف مسیر از آن یاد کرده اند.

۲-۲. مهمانخانه قاجاری

در زمان قاجاریه، چندین عکس از نماها و زوایای مختلف کاروان سرا برداشته‌اند که اطلاعات تازه‌ای درباره تغییر و تبدیلات این بنا عرضه می‌کند و ابهاماتی مانند مسقف نبودن ایوان و سردر ضلع جنوبی را رفع می‌کند. از تصاویر و گزارشهای متعدد تاریخی به دست می‌آید که در عهد قاجاریه به منظور سامان‌دهی راه تهران-قزوین^{۱۷} و تأسیس و تکمیل و تجهیز منزلگاههای آن، کاروان‌سرای ینگی‌امام را طبق الگوی مهمانخانه‌های فرنگی تعمیر و تجهیز کردند. تا پیش از سال ۱۲۹۶ق، که راه تهران-قزوین تسطیح و تجهیز شد، خبری از مهمانخانه با الگو و معنای فرنگی در ایران نبود و مسافرخانه‌ها و منازل همان کاروان‌سراهای ایرانی بود. یاکوب ادوئارت پولاک^(۲) (۱۸۱۸-۱۸۹۱)، طبیب مخصوص ناصرالدین‌شاه که از ۱۸۵۱ تا ۱۸۶۰ در ایران زیست،^{۱۸} در این باره می‌گوید:

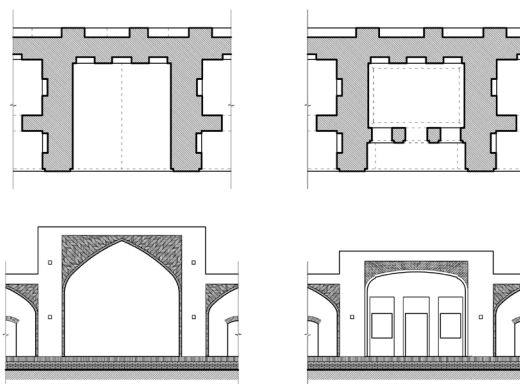
در اینجا از مهمانخانه به معنی و مفهوم اروپایی کسی خبر ندارد. همه در مسافرتها کلیه وسایل لازم و غیرقابل اجتناب را با خود برمی‌دارند: وسایل خواب، فرش، لوازم خورد و خوراک و غیره. [...] این کاروان‌سراها در کنار جاده‌های کاروان‌رو در فواصل هر پنج میل تعبیه شده است، که یا سلسله صفویه بنیان‌گذار آنهاست و یا موقوفه خصوصی مردم است.^{۱۹}

راه تهران-قزوین در سالهای ۱۲۹۶ تا ۱۲۹۸ق بازسازی شد و ظاهراً یگانه راه کالسکه‌رو ایران در زمان خود بوده است:

تسطیح این راه و مهمانخانه و پلها و قراول‌خانه‌ها تماماً به اهتمام جناب امین‌السلطان و مراقبت آقا باقر [سعدالسلطنه] به اتمام رسید.^{۲۰}

در این زمان، در سمت جنوب کاروان‌سرا باغی ساختند: «در جلوی این سردر و کاروان‌سرا، باغ بزرگی احداث شده که قریب دوازده جریب است».^{۲۱} بقایای این باغ در عکس هوایی سال ۱۳۳۶ش دیده می‌شود.

چنان‌که در تصاویر دیده می‌شود، ورودی بنا به ضلع جنوبی انتقال یافته و بالاخانه‌ای چون عمارتهای قاجاری بر فراز ایوان جنوبی ساخته شده؛ اما مشخص نیست که این تغییر در چه زمانی روی داده است، زیرا در منابع مکتوب ما اشاره‌ای به ساخت بالاخانه و انتقال ورودی نشده است. با توجه به شواهد میدانی و آثار



ت ۷. بالا) بخشی از باغ و بالاخانه الحاقی بر فراز ایوان جنوبی. این عکس را از روی تپه مجاور برداشته‌اند. مأخذ: آلبوم‌خانه کاخ گلستان

ت ۸. پایین) مقایسه پلان و نمای ایوان منزل ینگی‌امام در دوره صفویه (چپ) و دوره قاجاریه (راست). مأخذ: نظری، «بررسی جایگاه فرهنگی کاروان‌سرا»

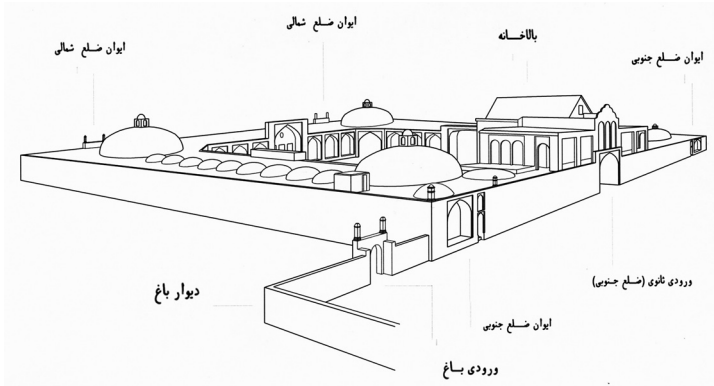
روز وارد شد [...] خلاصه از هر قبیل تشریفات و سیورسات از شهر به آنجا از طرف صدر اعظم حمل شده بود؛ مخصوصاً در اتاق شاه که یکی از اتاقهای کاروان‌سرای آنجا، که از بناهای شاه عباس و آن مهمانخانه و جای باصفایی است.^{۱۵}

(2) Jakob Eduard Polak

اعتمادالسلطنه در راه اروپا (در سفر سوم ناصرالدین‌شاه) در مهمانخانه ینگی‌امام اقامت کرده و درباره آن در خاطرات روزانه‌اش نوشته است:

دوشنبه ۱۴ [شعبان سنه ۱۳۰۶ق]. منزل ینگی‌امام و چهار فرسخ است. [...] خلاصه بعد از ناهار به راه افتادیم. منزل رسیدیم. منزل من مهمانخانه است. این کاروان‌سرای قدیم است مشهور به شاه عباس. تازه تعمیر کرده‌اند. مهمان‌خانه کرده‌اند. بدجایی نیست.^{۱۶}

علاوه بر این گزارشها، در حاشیه عکسهای قاجاری این بنا نیز آن را متعلق به دوره صفویان شمرده‌اند.



ت ۹. (بالا) تصویر سه‌بعدی مهمانخانه ینگی‌امام از روی ت ۸. مأخذ: نظری، «پرسی جایگاه فرهنگی کاروان‌سرا»

ت ۱۰. (پایین) عکس هوایی سال ۱۳۳۶ ش. در این عکس، بقایای محدوده و تقسیمات باغ دیده می‌شود. در مرکز و در محل حوض فعلی، سایه ساختمانی دیده می‌شود که امروز نشانی از آن نیست



چنین استنباط می‌شود که این بنا پیش‌تر سردری داشته و در این زمان سردری عالی از نو ساختند. خاطرات بازگشت ممتحن‌الدوله از فرنگ چنین استنباطی را تأیید می‌کند. او در سال ۱۲۸۴ق که از پاریس به ایران بازمی‌گشت، در راه در این کاروان‌سرا منزل کرد. در آن موقع، ورودی در ضلع جنوبی بنا بوده و بالاخانه‌ای بر فراز آن وجود داشته است:

دوسه شب در راه خوابیدیم — در همان منازل بی‌پیر کثیف. فقط در ینگه‌امام قبل از غروب آفتاب که وارد شدیم، کاروان‌سرائی عالی، قدیمی و آجری بود. خواستیم در بالاخانه سردرب آنجا منزل کنیم. دوسه نفر دهقان به ما گفتند در این کاروان‌سرا چند نفر اجنه منزل دارند. اگر شب را در اینجا بنامید، دور نیست از آنها به شما صدمه‌ای وارد آید. بهتر اینکه در امام‌زاده‌ای که نزدیک اینجاست منزل کنید و شب درها را ببندید که محفوظ بمانید.^{۲۳}

کاروان‌سرائی که ممتحن‌الدوله با آن مواجه شد، بنایی بود قابل سکونت؛ اما به قول فراهانی به علت نداشتن بانی تعمیر به تدریج خراب و کثیف و دزدگاه شده

مکتوب و تصاویر تاریخی، می‌توان چنین فرض کرد که این بنا مدتی پس از ساخت رو به ویرانی نهاد و در اوایل عهد قاجاریه آن را بازسازی و از آن استفاده کردند. مدتی بعد، به علت بی‌توجهی، باز دچار زوال و ویرانی شد؛ تا اینکه به منظور سامان‌دهی راه سلطنتی تهران- قزوین، آن را تعمیر و تجهیز کردند و در جبهه جنوبی‌اش باغی محصور ساختند. میرزا حسین فراهانی مفصل‌تر از دیگران به سرگذشت این کاروان‌سرا می‌پردازد:

ینگه‌امام کاروان‌سرائی بود از بناهای سلاطین صفویه. چون قافله در آنجا کمتر منزل می‌کرد و بانی تعمیر نداشت، به تدریج خراب و کثیف و دزدگاه شد. بعد از آنکه میهمانخانه‌ها به این خط راه افتاد، همین کاروان‌سرا را تعمیر مفصلی کردند و حجرات اطراف آن را سفید نمودند و درهای «آغشته» (به درهایی گفته می‌شد که دارای جامهای بزرگ شیشه بود) گذاشتند و طویله‌های اطراف کاروان‌سرا را بعضی طویله و برخی انبار درست کرده و آب انبار خرابه قدیم که وسط کاروان‌سرا بود تعمیر و صحن کاروان‌سرا را باغچه و اشجار و گل‌کاری نمودند؛ و در روی همین کاروان‌سرا سردر عالی از نو بنا نهاد، که آن سردر مشتمل بر شش اتاق بزرگ و کوچک پاکیزه سفیدکاری است، که همه را فرش کرده و میل گذاشته‌اند و منزلگاه مسافران محترم است.

در جلوی این سردر و کاروان‌سرا، باغ بزرگی احداث شده که قریب دوازده جریب است. صحن کاروان‌سرا، مشتمل بر سه ایوان و بیست و چهار حجره است، که همه حجره‌ها اتاق شده و بعضی اتاقها حصیرفرش و میل مختصری دارد که منزلگاه مسافران محترم است و بعضی اتاقها منزل و انبار به جهت اجزاء و عملیات کسبه متوقفین آنجاست؛ و چون اینجا نیمه راه و مرکز است و انبار غالب راه در اینجاست و از اسباب تران‌تاس و غیره هر چه در بین راه بشکند و خراب شود از دو طرف به اینجا می‌آورند و باید علی‌الاصول تعمیر کنند، بدین واسطه این کسبه مفصله ذیل همیشه در اینجا متوقف و دکان دارند و مشغول کارند: سراج، نجار، حداد و نعلبند و بقال و قهوه‌چی در اینجا مثل سایر مهمانخانه‌هاست.^{۲۲}

از آنجا که «تسطیح این راه و مهمانخانه و پلها و قراول‌خانه‌ها» در حوالی سال ۱۲۹۶ق بوده، احداث باغ و گل‌کاری صحن و تعمیر بنا باید مربوط به همین سالها باشد. فراهانی در ادامه می‌نویسد که «در روی همین کاروان‌سرا سردر عالی از نو بنا نهاد» شد. از این گفته



ت ۱۱. (راست) ضلع جنوبی کاروان سرا. در این عکس آثار تغییرات دوره قاجار دیده میشود

ت ۱۲. (چپ) ورودی ضلع جنوبی که مسدود شده است

بر آن به تعیین تاریخی نسبی رسید. با توجه به موارد یادشده و اسناد و شواهدی که ذیلاً ذکر خواهیم کرد، به نظر می‌رسد که دوره دوم رونق یا حیات این بنا مقارن با اواخر حکومت فتح‌علی‌شاه بوده باشد؛ به این سبب که پس از مرگ فتح‌علی‌شاه و هم‌زمان با ورود محمدشاه به دارالخلافه تهران برای جلوس، منزل ینگی‌امام دایر بوده است.^{۲۹} از سوی، در منابع مربوط به اقدامات عمرانی و ساختمانی دوره سلطنت ناصرالدین‌شاه، مانند *المآثر والآثار و مرآت البلدان و روضه الصفا*، خبری دال بر تعمیر بنای ینگی‌امام در سالهای پیش از سفر نخست ناصرالدین‌شاه به دست نیامد. بنا بر این، شاید دوره اول تعمیرات در زمان فتح‌علی‌شاه بوده باشد.

دوره آخر مداخلات ساختمانی در این بنا نزدیک به زمان سفر ناصرالدین‌شاه به فرنگ است. برای تعیین زمان مداخلات اخیر منابع کافی در دست است. از آن جمله، می‌توان به *سفرنامه حاج سیاح رجوع کرد*. او، که در سال ۱۲۹۶ق (تیر ۱۲۵۸ش) از تهران عازم رشت بوده، می‌نویسد:

صاحب الاغ گفت: «اگر می‌خواهید سه‌روزه به قزوین برسید، باید امروز به قشلاق برویم. این منزل [ینگی‌امام] اعتبار ندارد و معروف است که برای پیازی، آدمی کشته‌اند».^{۳۰}

بنا به گفته حاج سیاح، در سال ۱۲۹۶ق کاروان سرا محل مناسبی برای اقامت نبوده است. ولی او وقتی که در سال ۱۳۰۰ق (آذر ۱۲۶۱ش) از همین راه از قزوین به تهران بازگشته، مهمانخانه‌های سراسر راه را بسیار مطلوب یافته است: «به ینگی‌امام آمدم. دیدم در آن جای خطرناک هم مهمانخانه خوبی بنا کرده و آبادی زیاد نموده‌اند».^{۳۱}

بود. چند نکته در خاطرات ممتحن‌الدوله قابل توجه است: نخست اینکه در این زمان کاروان سرای موردنظر چندان مورد توجه نبوده و حتی دزدگاه یا محل اجنه و اشرار بوده است.^{۲۴} دیگر آن که هنوز خبری از عنوان مهمانخانه نیست و این بنا با وجود تغییر و تبدیل و الحاق بالاخانه، همچنان کاروان سرا خوانده می‌شود.^{۲۵} بعید نیست که فکر ایجاد بالاخانه بر روی سردر ینگی‌امام متأثر از بالاخانه (طبقه فوقانی یا شاه‌نشین) کاروان‌سراهای صفوی و قاجاری باشد.^{۲۶}

نکته دیگری که در بازشناسی دوره‌های حیات این کاروان سرا اهمیت دارد این است که پوشش کلیه اصطبلهای بنا در دوره‌ای که چندان بر ما روشن نیست، تجدید شده است. دلایل ما برای این ادعا نوع متفاوت خط قوس تویزه‌های سقف اصطبل و نوع آجر به‌کاررفته در آن است. همه تویزه‌های سقف و طاق غرفه‌های اصطبل با کمان نیم‌دایره ساخته شده است که استفاده از آن در دوره قاجار متداول شد. ضمناً ابعاد آجرهای این قسمت (پوشش تجدیدشده) با قسمتهای اصلی و تغییر نیافته بنا، مانند ایوان صفوی ضلع شمالی و سردر و گنبدخانه‌ها و قسمتهای تحتانی بنا، متفاوت است. تغییرات کاروان سرا در زمان مشاهده ممتحن‌الدوله نسبت به زمان صفویه را عمدتاً می‌توان چنین برشمرد:

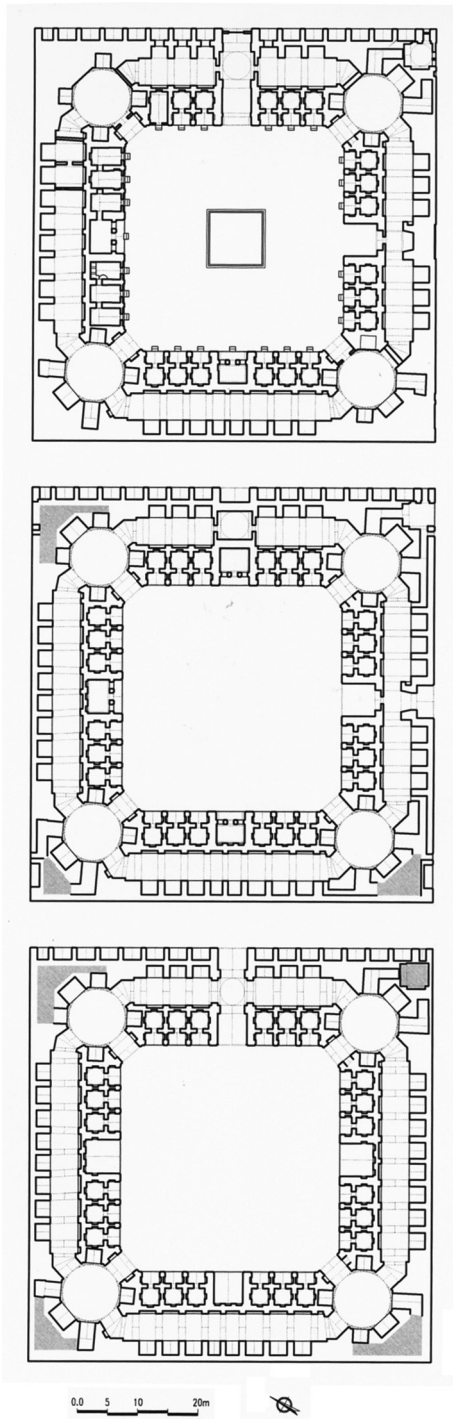
(الف) انتقال ورودی از ضلع شرقی به ضلع جنوبی^{۲۷}

(ب) احداث بالاخانه بر روی سردر

(ج) تجدید پوشش اصطبلهای کاروان سرا^{۲۸}

تعیین تاریخ این تغییرات به سبب نبود منابع و مدارک روشن و کافی اندکی دشوار است. البته می‌توان بر اساس شواهد و قراین موجود و استدالهای مبتنی

ت ۱۳. مقایسه پلان
 کاروان سرای ینگه امام
 در سه دوره (از پایین به
 بالا): صفویه، قاجاریه،
 وضع موجود. مأخذ:
 نظری، «بررسی جایگاه
 فرهنگی کاروان سرا»



بنا بر این، بازسازی و مرمت راه و مهمانخانه‌ها در سالهای ۱۲۹۶-۱۳۰۰ ق (۱۲۵۸-۱۲۶۱ ش) انجام گرفته است.

تفویم مرمت و راه‌اندازی این بنا به استناد سیاحت‌نامه یوشیدا ماساهارو^(۳) به زمان نخستین مسافرت شاه به اروپا باز می‌گردد.^{۳۲} با توجه به اینکه یوشیدا ماساهارو در ۱۲۹۷-۱۲۹۸ ق می‌نویسد این راه مرمت شده، می‌توان همین تاریخ را برای مرمت کاروان سرا منظور کرد. کاروان سرا در زمان بازدید یوشیدا ماساهارو تعمیر و تجهیز شده بود:

شب را در ینگه امام ماندیم. اینجا هوا بسیار سرد بود، و سرما تا مغز استخوانم نفوذ کرد. خوش بختانه کاروان سرای ینگه امام از سنگ ساخته شده [؟] و اتاقهای تختخواب‌دار بود و در اتاق ناهارخوری هم میز و صندلی چیده بودند. در ناهارخانه این ایستگاه، غذای روسی خوردیم، که مزه کرد و همه سیر شدیم.^{۳۳}

ماساهارو پیش از حریق بالاخانه در این کاروان سرا (یا مهمانخانه) اقامت کرده بود و توصیف وی از ناهارخانه و جز آن مربوط به بالاخانه است، که محل پذیرایی از مهمانان محترم و افراد خاص بوده؛ و گرنه حجرات کوچک کاروان سرا امکان گنجایش میز و صندلی و جز آن را ندارد. فوروکاوا^(۴) (۱۸۴۸-۱۹۱۸ م) عضو نخستین هیئت فرستاده امپراتوری ژاپن به ایران بود که همراه با یوشیدا ماساهارو در سال ۱۲۹۷ ق / ۱۸۸۰ م به ایران آمد:

در جاده هوار راندم، تا که در ساعت هفت و نیم در کاروان سرای ینگه امام فرود آمدیم. اینجا مهمان سرایی برای استراحت شاه، و با حصار و برج بلند به کاخ تابستانی مانند بود. ما در اتاق طبقه اول این ساختمان منزل گرفتیم.^{۳۴}

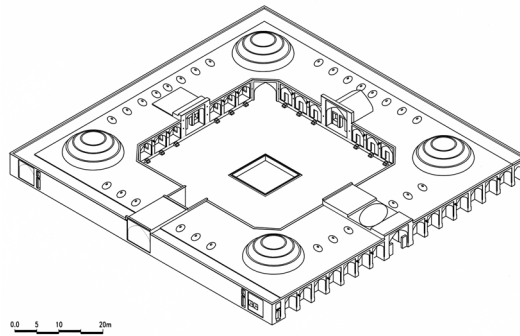
مهمانخانه‌ها و چاپارخانه‌های راه تهران- قزوین با الگوی مهمانخانه‌های فرنگ ساخته شده است. وصف فوروکاوا از مهمانخانه شاه‌آباد به خوبی این موضوع را بیان می‌کند:

چاپارخانه شاه‌آباد. هنگام ظهر به شاه‌آباد رسیدیم و در چاپارخانه اینجا فرود آمدیم. گویا مسافت راهی که پیمودیم [از تهران تا شاه‌آباد] چهار فرسخ بود. بنا و نمای چاپارخانه اینجا با چاپارخانه‌هایی که در مسیر جنوب دیدیم یکسره تفاوت داشت. بنای آن به طرز فرنگی و اتاقهایش با میز و صندلی و تخت خواب

مبله شده بود و چراغ و بخاری داشت. چای و شراب و برنج و گوشت هم فراهم بود. در مقایسه اینجا با چاپارخانه‌های مسیر آمدنمان به تهران در جنوب، به راستی تفاوتی از زمین تا آسمان می‌دیدیم. این جاده به ملاحظه اینکه شاه و اعیان و بزرگان دولت بارها در

(3) Yoshida Masaharu
 (4) Furukawa Nobuyoshi

ت ۱۴. تصویر سه بعدی کاروانسرای ینگگی امام (وضع موجود). مأخذ: نظری، «بررسی جایگاه فرهنگی کاروانسرا»



آن سفر و گذر می‌کنند، باید چنین خوب و مجهز ساخت شده باشد.^{۳۵}

سه ساعت به غروب مانده به ینگگی امام رسیدیم. بالاخانه‌ها [که] قدری برای اقامت مناسب بود، در عبور وزیرمختار آلمان سوخته، قابل سکنا نیست. در اتاق رو به مغرب کاروانسرا، که بخاری آهنی دارد و بالنسبه بد نیست، رحل اقامت افکندیم. به بام کاروانسرا رفتیم که سوختن سقفهای بالاخانه‌ها را معاینه کنیم. هوا به قدری خوب و معتدل بود که ساعتی فرج بام و منظر صحرا مشغولمان کرد. معین‌الملک تفنگ خواست و چند تیر گلوله به نشانه‌ای که در تپه مشرف به باغ فرض شده بود انداختیم.^{۳۶}

از اینکه بعد از این آتش‌سوزی، بالاخانه تعمیر شده یا نه، اطلاعی نیافتیم. مظفرالدین‌شاه در نخستین سفرش به فرنگستان، که در اواخر سال ۱۳۱۷ ق (۱۹۰۰م) به منظور تماشای نمایشگاههای بین‌المللی اروپا صورت گرفت، در مهمانخانه ینگگی امام اقامت می‌کند:

رسیدیم به مهمانخانه ینگگی امام. لدی‌الورود نهار خورده قدری خوابیدیم. باد زیادی می‌وزید. قدری هم باران بارید. وقتی چشم ما به مهمانخانه ینگگی امام افتاد، به خاطرمان آمد مسافرت سنه هزارویصدوپنج، که در اواخر پاییز و هوای بسیار سرد از تهران به تبریز می‌رفتیم. به قدری هوا سرد بود که در همین مهمانخانه وقت صبح آب در دستمان بود؛ به مجرد اینکه به زمین می‌ریخت، یخ می‌بست و نمی‌شد از سرما نفس کشید. خلاصه چون امشب عید غدیر بود، موزیگانچهها را فرمودیم خبر کردند، آمدند قدری موزیگان زده رفتند.^{۳۷}

او در بازگشت از سفر در همین مهمانخانه منزل کرد و تغییری در وضع آن نیافت:

روز پنجشنبه بیست‌وهشتم رجب. امروز از اینجا به ینگگی امام رفتیم. صبح باز سوار شده حرکت کردیم [...] صحبت‌کنان آمدیم تا به منزل و نهار را در منزل خوردیم. منزل همان عمارت و اتاقهایی است که وقت رفتن به فرنگستان هم منزل کردیم. تا شب اتصالاً باران می‌بارید. شب را بحمدالله به سلامت و خوشی گذراندیم.^{۳۸}

مظفرالدین‌شاه در توصیف مهمانخانه از ماجرای سوختن بالاخانه یاد نمی‌کند و در راه رفتن به فرنگ با دیدن این بنا به یاد سفر سال ۱۳۰۵ ق می‌افتد. در آن تاریخ، عمارت بالاخانه موجود بوده؛ اما در این تاریخ،

در تبدیل کاروانسرای ینگگی امام به مهمانخانه تغییرات فراوانی در آن دادند، که مختصراً ذکر می‌کنیم: بر فراز ایوان جنوبی، عمارتی به شکل کاخهای تابستانی سلاطین قاجار بنا شده و آن را به طرز مهمانخانه‌های فرنگی مجهز و مبله کرده‌اند. محوطه ضلع جنوبی کاروانسرا را با دیواری خشتی محصور و در آن گل‌کاری و درخت‌کاری کرده‌اند. چنان‌که در تصاویر تاریخی دیده می‌شود، این حصار سه ورودی داشته، با سردری با دو مناره کوتاه.

در گزارش فراهانی، کاروانسرای ینگگی امام سه ایوان دارد. ایوان چهارم ایوان ضلع جنوبی است که اکنون طاق ندارد و سابقاً بالاخانه بر فراز آن قرار داشته، و به همین سبب، از نظر ناظرین ایوان محسوب نمی‌شود. پوشش ایوان شرقی و غربی تجدید و با قوس کلیل اجرا شده است. این ایوانها از ایوان صفوی ضلع شمالی کوتاه‌تر شده است. در چهار گوشه بنا، چهار ایوان به فضای بیرون باز می‌شود: دو ایوان در ضلع جنوبی و دو ایوان در ضلع شمالی. برای ایوانهای مزبور در ضلع شمالی، سردری با دو گلدسته کوچک برپا شده، که در تصاویر تاریخی نمایان است. در رأس گنبدهای واقع در گوشه‌های بنا، روشن‌دانهایی دیده می‌شود که اکنون وجود ندارد و معلوم نیست که از روزگار صفویه وجود داشته و یا از الحاقات زمان قاجاریه است. هر روشن‌دان شبیه چهارطاقی کوچکی است که از چهارسو باز است و گنبدی کوچک دارد.

مهمانخانه ینگگی امام تا سال ۱۳۱۶ ق برجا و دایر بود؛ اما در حین مسافرت وزیرمختار آلمان، دچار حریق شد. امین‌الدوله (۱۲۶۰-۱۳۲۲ ق) در سال ۱۳۱۶ ق از سوختن بالاخانه یاد کرده است:

یعنی ۱۳۱۷ق، بنا به گزارش امین‌الدوله، سوخته و از بین رفته است. مظفرالدین‌شاه این تفاوت را ندیده، یا دست‌کم از آن یاد نکرده است.

در روزنامه خاطرات عین‌السلطنه، در دوره نیابت سلطنت عضدالملک قاجار (۱۳۲۷ ق)، از وضع این بنا بعد از مراجعت مظفرالدین‌شاه یاد شده است:

در ینگی‌امام برای تحصیل مشروبی پیاده شدیم. من و مُلک‌آرا داخل کاروان‌سرای قدیم شاه عباسی [شدیم]، که حالا مهمانخانه شده و از سالهای قبل هم به مراتب مخروبه‌تر و کثیف‌تر [شده].^{۳۹}

باری در سالهای ۱۳۲۷ و ۱۳۲۸ق (دوره نیابت سلطنت عضدالملک)، این مهمانخانه (و احتمالاً دیگر منازل این راه) دوباره کثیف و ویران شده و چندان قابل استفاده نبوده است.

از جمله حوادث مهمی که در این کاروان‌سرا رخ داده، استقبال از مظفرالدین‌شاه (بعد از قتل ناصرالدین‌شاه) به هنگام ورود به تهران است. میرزا حسین‌خان دیوان‌بیگی می‌نویسد:

در روز ۱۴ ذی‌قعدة [۱۳۱۳ق]، [...] رفتیم به قریه ینگی‌امام، ملک صدر اعظم [امین‌السلطان]. تا جمعه ۲۳ [ذی‌قعدة] در آنجا برای تشریفات ورود سلطنت جدید ماندیم. مظفرالدین‌شاه در این روز وارد شد. خلاصه از هر قبیل تشریفات و سیورسات از شهر به آنجا از طرف صدر اعظم حمل شده بود؛ مخصوصاً در اتاق شاه، که یکی از اتاقهای کاروان‌سرای آنجا که از بناهای شاه عباس و الآن مهمانخانه و جای باصفایی است، میوه و شیرینی و غیره چیده بودیم و یکصد دانه اشرفی سکه مظفرالدین‌شاه، که اول پولی بود به اسم او سکه شده بود، با یک طاقه شال کشمیری اعلا گذاشته بودیم [...]. طرف عصر، شاه تازه وارد شد. نقاره‌خانه و زنبورک‌خانه هم رفته بود تا قزوین. در ورود شلیک کردند و جلوش نقاره‌خانه می‌زدند. ترکهای تبریزی گرسنه، که سی‌وینج سال ریاضت چنین روزی را می‌کشیدند، ریختند. مسلمان نشنود، کافر نبیند؛ چه رذالها کردند [...]. شاه در میان کاروان‌سرای مذکور بنا کرد به تفنگ انداختن.^{۴۰}

با بررسی اخبار تاریخی، صفوی بودن اساس کاروان‌سرای ینگی‌امام مسلم می‌شود. این بنا در عهد قاجاریه، در سالهای ۱۲۹۶-۱۳۰۰ق، به مهمانخانه تبدیل شد و بر فراز ایوان ضلع جنوبی‌اش بالاخانه‌ای مشتمل

بر شش اتاق بزرگ و کوچک ساختند. این بالاخانه در حدود سنه ۱۳۱۶ق دچار حریق شد و چیزی جان‌نشین آن نشد. مجدداً در سالهای ۱۳۲۷ و ۱۳۲۸ق، متروک شد و رو به ویرانی نهاد. از چهار دهه پیش، این بنا در اختیار نیروهای نظامی قرار گرفت و تا چند سال پیش پاسگاه انتظامی بود. اکنون این بنا متروک است.

۳. جمع‌بندی

کاروان‌سرای ینگی‌امام از بدو احداث تا امروز دستخوش تغییرات بسیاری بوده است. این تغییرات، که به منظور منطبق ساختن کالبد کاروان‌سرا با کاربریهای بعدی اعمال شد، علاوه بر دگرگون ساختن چهره بنا، مفهوم کاروان‌سرا را نیز دگرگون کرد؛ به نحوی که در دوره سوم رونق و بر اساس منابع تاریخی، فعالیت آن با کاربری مهمانخانه آغاز شد. در این دوره، بالاخانه‌ای روی ایوان جنوبی ساختند که شکل آن بسیار شبیه کوشکهای قاجاری است؛ و اناث و تأسیسات داخلی آن هم نظیر مهمانخانه‌های فرنگی است. ترکیب جدید کاروان‌سرا - بالاخانه سبب تغییرات اساسی در کالبد و محتوای کاروان‌سرا شد. سیر تغییرات این بنا در گذر زمان به اختصار چنین است:

بر پایه منابع تاریخی، ینگی‌امام کاروان‌سرای است که در دوره صفویه با طرحی شبیه کاروان‌سراهای آن روزگار برپا شد. به احتمال، به مدتی نامعلوم متروک و مخروب شد؛ تا اینکه اوایل حکومت سلسله قاجار (به احتمال دوره فتح‌علی‌شاه) آن را تعمیر کردند. در آن زمان، ورودی اصلی در جناح شرقی را بستند و ورودی دیگری در ضلع جنوبی کاروان‌سرا گشودند. بر بالای ورودی جدید، بالاخانه‌ای ساختند. گمان می‌رود این آشکوب الحاقی مانند بالاخانه سردر کاروان‌سراهای قدیم بوده باشد.

بار دیگر این کاروان‌سرا متروک و بی‌استفاده شد؛ تا اینکه در سال ۱۲۹۶ق، که راه تهران - قزوین را به مناسبت سفر اول ناصرالدین‌شاه به فرنگ تعمیر و تجهیز کردند، این بنا را چون مهمانخانه‌های فرنگی آباد ساختند. با ایجاد بالاخانه و ساختن باغ و حصار پیرامون، کاروان‌سرا به ترکیب جدید باغ-کاروان‌سرا تبدیل شد. در این ترکیب نوظهور، کاروان‌سرای ینگی‌امام (ترجیحاً بنای ینگی‌امام) مهمانخانه‌ای بود در درون کاروان‌سرای

سنتی، که صحن آن را با اشجار و ریاحین زینت مفصل کرده بودند. در محدوده جنوبی بنا هم باغی ساختند که کاروان‌سرا بدان راه دارد؛ و علاوه بر بالاخانه، در ایوانهای بیرونی واقع در گوشه‌ها نیز صدفه‌هایی برای آسایش و التذاذ و حظ بصر و نظر ساختند.

تلفیق عمارت بالاخانه با کاروان‌سرای ینگ‌امام بیش از آنکه کالبد بنا را متأثر سازد، مفهوم بنا را در معرض دگرگونی قرار داد. گرچه مفهوم کاروان‌سرا در ظاهر تفاوتی با مهمانخانه ندارد؛ معنای خاص آنها متفاوت است. در مهمانخانه ینگ‌امام، طرز پذیرش میهمان و آداب پذیرایی و فراهم آوردن اسباب آسایش مهمان تغییر اساسی یافت و تا حد امکان برای رفاه و آسایش مراجعان خدمات و تأسیسات تدارک دیده‌اند؛ از جمله، باغی برای گلگشت و تفریح، نهارخانه‌ای مجهز به میز و صندلی، اتاقهای مجزا، اسباب و اثاث و جز آن. در دوره سوم فعالیت، بنا را به سربازخانه تبدیل کردند و متناسب با آن، در کالبد بنا نیز تغییراتی دادند. □

کتاب‌نامه

اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. *المآثر والآثار (چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین‌شاه)*، به کوشش ایرج افشار، تهران، ۱۳۶۳.

_____ . *روزنامه خاطرات*، با مقدمه و فهرس از ایرج افشار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۷.

_____ . *مرآت البلدان*، به کوشش دکتر عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۷.

امین‌الدوله، حاج میرزا علی خان. *سفرنامه*، به کوشش اسلام کاظمیه، با مقدمه دکتر علی امینی، تهران، توس، ۱۳۵۴.

اوین، اوژن. *ایران امروز (۱۹۰۷-۱۹۰۶)*، ترجمه و حواشی و توضیحات از دکتر علی اصغر سعیدی، تهران، زوار، ۱۳۶۲.

بل، گرتود. *تصویرهایی از ایران*، ترجمه بزرگمهر ریاحی، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۳.

پولاک، یاکوب ادوارد. *سفرنامه یولاک، ایران و ایرانیان*، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۱.

جعفری، عباس. *گیتاشناسی ایران*، تهران، گیتاشناسی، ۱۳۸۴، ج ۳.

حاج سیاح محلاتی، محمدعلی. *خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت*، به کوشش حمید سیاح و تصحیح سیف‌الله گلکار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۹.

حسام‌السلطنه، مراد میرزا. *سفرنامه مکه*، به کوشش رسول جعفریان، قم، مشعر، ۱۳۷۴.

دیوان‌بیگی، میرزا حسین خان. *خاطرات (کردستان و طهران)*، به کوشش ایرج افشار و محمدرسلول دریاگشت، تهران، اساطیر، ۱۳۸۲.

فراهانی، میرزا حسین. *سفرنامه*، به اهتمام حافظ فرمانفرمائیان، مرکز تحقیق و مطالعه و تمدن و فرهنگ ایران و خاورمیانه دانشکده ادبیات، تهران، ۱۳۴۲.

فوریه، ارنست. *سه سال در دربار ایران*، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، به کوشش همایون شهیدی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۶.

فوروکاوا، نوبیوشی. *سفرنامه فوروکاوا*، ترجمه هاشم رجب‌زاده و کینیچی‌ئه اورا، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۴.

عین‌السلطنه، قهرمان میرزا سالور. *روزنامه خاطرات عین‌السلطنه*، به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، تهران، اساطیر، ۱۳۷۷، ج ۴.

لسترینج، گای. *جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی*، ترجمه محمود عرفان، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷.

مظفرالدین شاه قاجار. *سفرنامه فرنگستان (سفر اول)*، مقدمه و فهرستها از امیر شیرازی، تهران، شرق، ۱۳۶۳.

ممتحن‌الدوله خانشقاقی، میرزا مهدی خان. *خاطرات ممتحن‌الدوله*، به کوشش حسینقلی خانشقاقی، تهران، فردوسی و فرهنگ، ۱۳۶۲.

نظری، فرهاد و ذات‌الله نیک‌زاد. «معماری در دربار سلطان صاحب‌قران»، در: *گلستان هنر*، ش ۹ (پاییز ۱۳۸۶)، ص ۲۶-۵۱.

هدایت، رضاقلی خان. *روضه‌الصفای ناصری*، تصحیح و تحشیه جمشید کبان‌فر، تهران، اساطیر، ۱۳۸۵.

پی‌نوشتها:

۱. «ینگ‌امام (yengi emam): ده، بخش مرکزی شهرستان ساوجبلاغ، استان تهران. هشتتگرد ۱۱۲ درجه، ۵ کیلومتر. ارتفاع ۱۳۰۵ متر. معتدل، خشک. سر راه کرج به هشتتگرد». — جعفری، گیتاشناسی ایران، ص ۱۳۵۵. ینگ‌امام نام محلی در بخش مرکزی شهرستان ساوه است؛ نک: همان، ص ۱۳۵۴.

۲. به گفته لسترینج، ساوجبلاغ در زبان ترکی به معنی «چشمه‌های سرد» است؛ و به قول حمدالله مستوفی، «ولایتی است که در اوآن سلاحه مال به ری می‌داده و در عهد مغول سوا شده. هوایی بغایت خوب دارد. اکثر آیش از قنوات است. میوه و غاه بسیار می‌باشد و نانش در غایت نیکو و حقوق دیوانی او دوازده‌هزار دینار مقرر است و از اعظم قرای آنجا سنقرآباد است [...] و الحال خراب است.» سنقرآباد هنوز باقی و از منزه‌های مهمی است که حمدالله مستوفی در شرح راهها از آن نام برده است. در این خصوص، نک: لسترینج، *جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی*، ص ۲۳۵.

۳. در تصویری که از روی تل باستانی مجاور کاروان‌سرا برداشته شده، برج و باروی روستای ینگ‌امام نمایان است و در آن سردر مفصلی در دوطبقه مشاهده می‌گردد.

۴. حاج سیاح، *خاطرات حاج سیاح*، ص ۲۰۳.

۵. اورسل، *سفرنامه قفقاز و ایران*، ص ۲۱۴.

۶. میرزا حسین‌خان فراهانی، *سفرنامه*، ص ۸.
۷. منظور چهار ایوان در شکل اصلی است؛ زیرا ایوان ضلع جنوبی در حال حاضر وجود ندارد و احتمالاً از شکل ایوان خارج شده و در آتش‌سوزی حوالی سنه ۱۳۲۷ق سقف آن از بین رفته است.
۸. دیوان‌بیگی، *خاطرات (کردستان و طهران)*، ص ۲۰۸.
۹. در بایگانیهای سازمان اوقاف و سازمان میراث فرهنگی سندی یافت نشد که بتواند به این سؤال پاسخ دهد.
۱۰. میرزا علی‌خان لقب امین‌الملک را در تاریخ ۱۲۹۴ق و لقب امین‌الدوله را در تاریخ ۱۲۹۹ق را از ناصرالدین‌شاه دریافت کرد. وی در رمضان ۱۳۱۴ق وزیر اعظم و پنج‌ماه بعد صدر اعظم مظفرالدین‌شاه شد. برای اطلاع بیشتر، نک: بامداد، *شرح حال رجال ایران*، ج ۲، ص ۳۵۴-۳۶۶.
۱۱. در نوشته‌های پیش از دوره قاجار، نام و نشانی از این بنا یافت نشد و اعتقاد ما بر صفوی بودن آن به اعتبار نوشته‌های دوره قاجار است که به آنها خواهیم پرداخت.
۱۲. فراهانی، همان، ص ۶-۷.
۱۳. گرتود بل، *تصویرهای از ایران*، صص ۸۲-۸۴.
۱۴. عین‌السلطنه، *روزنامه خاطرات عین‌السلطنه*، ص ۲۹۷۱.
۱۵. دیوان‌بیگی، *خاطرات*، صص ۲۰۸-۲۱۰.
۱۶. اعتمادالسلطنه، *روزنامه خاطرات*، ص ۶۳۳. «دوشنبه ۱۴ [شعبان سنه ۱۳۰۶ق]. دیشب، که به حکم هیایون هرچه گذا بود در اردو آورده به مهمانخانه حبس نموده بودند، قال و قیل جمعیت نگذاشت تا صبح بخوابم». همان، ص ۶۳۳.
۱۷. راه تهران-قزوین در فاصله سالهای ۱۲۹۶ و ۱۲۹۹ق بازسازی شد و ظاهراً یگانه راه کالسکه‌رو ایران در زمان خود بوده است. این راه به چشم رجال و کارگزاران دولتی مایه مباهات و به نظر مراجعان خارجی فاقد معیارها و استانداردهای لازم بوده است. برای آگاهی از کیفیت و چگونگی احداث این راه نک: نظری و نیک‌زاد، *معماری در دربار سلطان صاحب‌قران*، ص ۴۴.
۱۸. دکتر پولاک در سال ۱۲۷۲ق، پس از مرگ دکتر کلوکو و پیش از استخدام دکتر طولوزان، طبیب مخصوص ناصرالدین‌شاه بود. اعتمادالسلطنه، *مرآت البلدان*، ج ۲، ص ۱۸۱.
۱۹. پولاک، *سفرنامه پولاک، ایران و ایرانیان*، ص ۳۰۴.
۲۰. حسام‌السلطنه، *سفرنامه مکه*، ص ۲۸.
۲۱. فراهانی، همان، ص ۶.
۲۲. فراهانی، همان، ص ۶-۷.
۲۳. منتحن‌الدوله، *خاطرات منتحن‌الدوله*، ص ۱۴۶. «منتحن‌الدوله اولین مهندس (ارشیبتکت) معمار ایرانی است که از پدر و مادری مسلمان و مبین‌پرست در سال ۱۲۶۳ هجری قمری، مطابق ۱۲۲۳ شمسی (۱۸۴۳م) در تهران در محله سنگلج متولد شدو پس از چند سال تحصیل در مکتب سرخانه و در مدرسه دارالفنون جدیدالتاسیس در ۱۲۷۶ق، مطابق ۱۲۳۶ شمسی (۱۸۵۷م)، در اثر یک سلسله اتفاقات خانوادگی به دستور شخص ناصرالدین‌شاه با اولین هیئت محصلین به پاریس اعزام شد و بعد از اتمام تحصیلات متوسطه و اخذ گواهی‌نامه مهندسی معماری در مدرسه عالی اکل نورمال سوپریو دویاری و دانشکده معماری پاریس در سال ۱۲۴۳ش (۱۸۶۴م) به ایران بازگشت نمود». همان، ص ۳۵.
۲۴. منتحن‌الدوله ماجرای دستگیری چند نفر از اشرار را که در طول‌بله‌های بنا منزل کرده بودند مفصلاً بیان کرده است.
۲۵. نک: پولاک، همان.
۲۶. نمونه‌های متعددی از این کاروان‌سراها (دارای بالاخانه) به جای مانده است؛ مثلاً کاروان‌سرای ده‌مک در راه گرمسار-سمنان؛
- کاروان‌سرای آهوان در راه سمنان-دامغان؛ کاروان‌سرای قوشه در راه سمنان-دامغان؛ کاروان‌سرای باغ شیخ در نزدیکی ساوه.
۲۷. این ورودی که کلیت آن از روی تصاویر زمان قاجار و چند سیاحت‌نامه همان دوره مشخص می‌شود، در امتداد ایوان جنوبی و به محوطه جنوبی بنا برای تردد باز شده است. اکنون آثار و محل آن در جبهه جنوبی بنا مرئی است.
۲۸. به نظر می‌رسد طاق بیشتر حجره‌ها در این دوره از شکل چهاربخشی خارج و با طاق آهنگ اجرا شده است. ورود به شترخانها مانند گذشته از گوشه‌های صحن صورت می‌گیرد و گنبدخانه‌ها بی‌تغییر مانده است. پوشش همه شترخانها تجدید شده و تویزه‌ها با قوس نیم‌دایره اجرا شده است.
۲۹. «و چون خال دیگر پادشاه بی‌همال، میرزا محمدخان، بیگلربیگی دارالخلافه، در این ایام در ری بود، همانا بدو ایمايي یا خطی رسیده سرکردگان مازندرانی و هزارجریبی را که به محافظت ارک مبارکه سلطانی مأمور بودند احضار کرده شرح واقعه و وارث تاج و تخت را به قزوین و مخدول بودن مأمورین علی‌التفصیل بدیشان معلوم داشت؛ و قرار بر این نهادند که ایشان نیز در دارالخلافه به خدمتی قدمتی جویند. لهذا اجتماعی و اتفاقی کرده سرکار وزیرالشان، محمدجعفرخان کاشانی، را مأخوذ و منکوب ساخته اموالش را به ضبط درآورده، آن‌گاه به اجتماع شرف‌یاب خدمت عادل‌شاه گردیده با وجود قرب جوار ولی‌عهد خاقان قاجار، به دوسه منزلی او را از جلوس بر تخت صاحب‌قران منع کردند.
- ظل‌السلطان ناکام و ناچار به حرم‌خانه رفته به تقدیر آسمانی تسلیم شد. همانا منزلتاً نود روز مدت ملکش در دارالخلافه امتداد یافته بود. و عریضه آن امیر باتدبیر در منزل ینگی‌امام در این باب به حضرت اقدس رسیده از کار دارالملک استحضار یافته، سهولت این همه امور اصعبه را از فضل پروردگار دانسته». هدایت، *روضه الصفای ناصری*، ج ۱۰، ص ۸۱۴۹.
۳۰. حاج سیاح، *خاطرات حاج سیاح*، ص ۲۰۳.
۳۱. همان، ص ۲۷۶. اورسل در مراجعت از قزوین به تهران در سال ۱۳۰۰ ق می‌نویسد: «ایستگاه جدیدی متصل به کاروان‌سرای قدیمی که خوب به جای مانده، از منزلگاههای قبلی کوچک‌تر، ولی مثل آنها دارای حوضی با آب زلال و باغچه مرتبی بود. نزدیک این منزل، مقبره‌ای قرار داشت؛ به طوری که متولی آنجا می‌گفت این مقبره متعلق به جنگجویان زمانهای قدیم است که هنوز به‌درستی درباره آنها تحقیق نشده است». — اورسل، *سفرنامه قفقاز و ایران*، ص ۲۱۴.
۳۲. سفرهای سه‌گانه ناصرالدین‌شاه به فرنگ: نخستین سفر او در سال ۱۲۹۰ق بود؛ دومین سفر «از روز پنج شنبه سلخ ربیع الاول ۱۲۹۵ق (۱۲۵۷ش)» آغاز شد و او «نهم شهر شعبان» ۱۲۹۵ «به تهران رسید»؛ سومین سفر او از ۱۲ شعبان ۱۳۰۶ق (۲۴ فروردین ۱۲۶۸ش) تا ۲۴ صفر ۱۳۰۷ق (۲۸ مهر ۱۲۶۸ش) طول کشید.
۳۳. ماساهارو، *سفرنامه*، ص ۲۲۲.
۳۴. فوروکاوا، *سفرنامه فوروکاوا*، ص ۲۷۲.
۳۵. همان‌جا.
۳۶. امین‌الدوله، *سفرنامه*، صص ۵-۱۶.
۳۷. مظفرالدین‌شاه، *سفرنامه فرنگستان*، ص ۱۲. تقویم این سفر چنین است: حرکت از تهران، پنج‌شنبه ۱۲ ذیحجه ۱۳۱۷ق؛ بازگشت، یکشنبه ۲ شعبان ۱۳۱۸ق؛ مدت: ۷ ماه و ۲۰ روز.
۳۸. مظفرالدین‌شاه، همان، ص ۲۶۷ و ۲۶۸.
۳۹. عین‌السلطنه، *روزنامه خاطرات عین‌السلطنه*، ص ۲۹۷۱.
۴۰. دیوان‌بیگی، *خاطرات*، ص ۲۰۸-۲۱۰.